

تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران

(۴)

رکن‌الدین همایونفرخ

مدیرعامل کتابخانه‌های عمومی شهر تهران

خط فارسی

ابن‌الندیم مینویسد: واضعین خط عربی سه نفر بوده‌اند بنامهای مرامرین مَره - اسلم بن سدره - عامر بن جدره از مردم شهر انبار^۱.

ابن‌الندیم این اطلاع خود را از گفته ابن عباس نقل کرده و اضافه میکند: «این سه تن هر یک در تکمیل خط عربی کوشیده‌اند بدین ترتیب:

مرامرین مَره صورت و شکل حروف را ساخت. اسلم بن سدره فصل و وصل حروف را وضع کرد و عامر بن جدره نقطه‌های آنرا بنیاد نهاد» هم او مینویسد: «نخستین خط عربی خط مکی است، پس از آن خط مدنی و بعد خط بصری و سپس خط کوفی، اما مکی و مدنی در الف‌های کمی تمایل بطرف راست و بالای انگشتان و در شکل آن کمی خوابیدگی دارد. نخستین کسی که در صدر اسلام قرآن نوشت و در خوبی خط شهرت داشت خالد بن ابوهیاج بود، بعدها ابولاسود دولی^۲ نقطه‌گذاری آنرا تکمیل کرد، بشر بن عبدالملک که در حیره بود، نخستین کسی است که خط را به مکه آورد و در آنجا

درباره چگونگی خط فارسی در کهن‌ترین مأخذی که از آن بحث میکند «الفهرست» است. ابن‌الندیم ضمن معرفی خطوطی که قرآن کریم را بدان مینوشتند از خط فارسی در یاد میکند و از نظر اینکه گفته او برای ما سند و مدرک است ترجمه عین نوشته او را می‌آوریم و سپس نظر خود را اعلام میداریم.

«خطوطی که مصاحف را بدان مینوشتند: مکی، مدین، النثم، بصری، مشتق، تجاوبد، سلواطی، مصنوع، حائل، راصف، سجلی، اصفهانی، فیر آموز که ایرانیان آنرا استخراج کرده و بدان خوانند».

نخست باید توجه داشت خطوطی را که ابن‌الندیم از آنها نام می‌برد خطوطی است که در زمان او رایج بوده است، نه خطوطی که در آغاز اسلام و نزول قرآن وجود داشته است، بطوریکه خواهیم گفت، هنگامیکه اسلام اعلام شد، عرب خط نداشت و خطی که قرآن بدان ثبت میگردد خط مکی بود^۳.

طی قرن اول هجری بمرور خطوطی در قلمرو حکومت اسلامی پدید آمد که ابن‌الندیم از آنها یاد میکند. عربها در آغاز زبان خودشان را با خطوط نبطی و سریانی مینوشته‌اند، و بهترین سند این مدعا سنگ نوشته گور امری القیس شاعر شهیر عرب در النهاره است «واقع در حیره» که در سال ۳۲۸ میلادی تحریر و نقر شده است. همین سنگ نشان میدهد که عربها خط کوفی را بعدها از آن استخراج کرده‌اند.

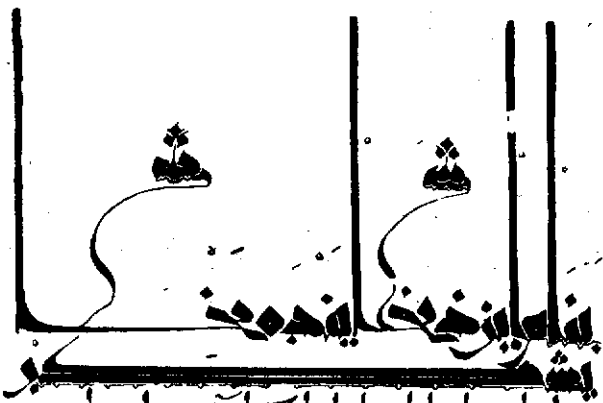
۱- الفهرست ص ۱۱

۲- درباره خط مکی سخن خواهیم گفت.

۳- شهری بوده است نزدیک بغداد، القلقشندی در صیحه الاعشی

نیز همین نظر را تأیید میکند.

۴- در گذشته سال ۶۹. هـ.



پس از یاد بردن احوال و توانا را که آفرید کار جهان هست
 و دامنه الهی کار و جهان هست و زاده در جرم و زمان هست
 و دادند و جانوران است و آورنده بهار و خزان است و هر دو
 بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و افرید و آفرید او
 و اهل بیت و کزب کز او و در روز بر همه عالم را آورد
 و همه فرشتگان و همه پادشاهان و اهل بیت و اهل بیت
 و در روز بود و در روز بود و در روز بود و در روز بود
 و در روز بود و در روز بود و در روز بود و در روز بود

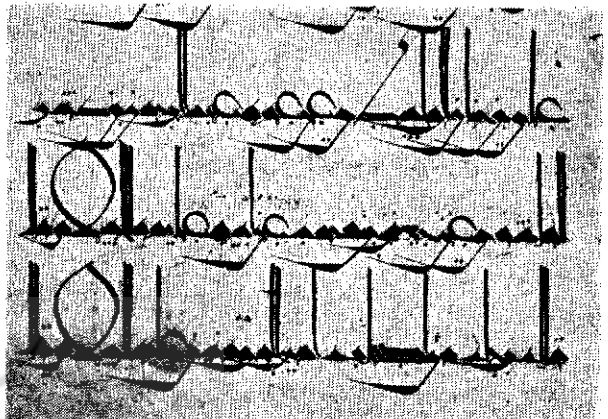
عربی کوشی بسزا کرده است و اوست که هنرزیبانیوسی خط
 عربی را پایه گذاشت، پس از او زیبانیوسی در خط عربی از
 هنرهای ظریفه گردید و مورد توجه قرار گرفت و هنرمندان
 را بر آن داشت که طی قرون بعد در آن راه مجاهدت و کوشش
 کنند.

محققان خط شناس میگویند «اوست که اقلام سته
 «ششگانه» - محقق - ریحان - ثلث - نسخ - توقیع - رقع
 را از خط کوفی استخراج و اقتباس کرده است. بنابراین واضع
 و مخترع خط نسخ راهم که امروز خط متداول زبان عرب است
 باید ایرانی بدانیم.

چنانکه گذشت ابن الندیم میگوید «از جمله خطوطی که
 قرآن را بدان مینوشته‌اند یکی هم خط پیرآموز بوده است
 (ابن الندیم به تبعیت زبان عرب پیرآموز باف ثبت کرده است)
 که ایرانیها آنرا استخراج کرده بوده‌اند»^۷.

ابن الندیم دیگر نمیگوید که: ایرانیها پیرآموز را از چه
 خطی استخراج کرده بوده‌اند، بنابراین سکوت او را در این
 باره نباید بدان گرفت که قصداً استخراج از خط عربی بوده
 است.

فیرآموز را فرهنگ‌ها «سهل و آسان» معنی کرده‌اند
 لیکن آندراج آنرا پیرآموز ثبت و معنی کرده است «علمی که
 کسی در زمان پیری بیاموزد» و این معنی کاملاً صحیح است
 و انتخاب نام پیرآموز هم در اصل به همین قصد و نظر بوده است
 که این خط تازه (فارسی) بدان پایه ساده و آسان است که

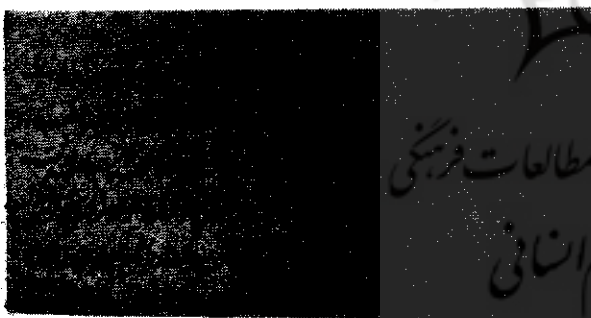
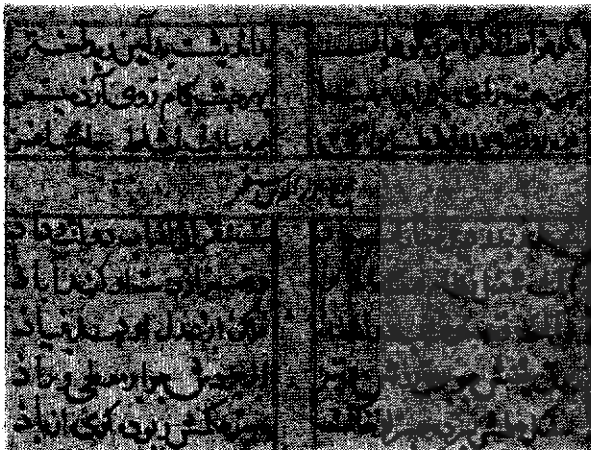
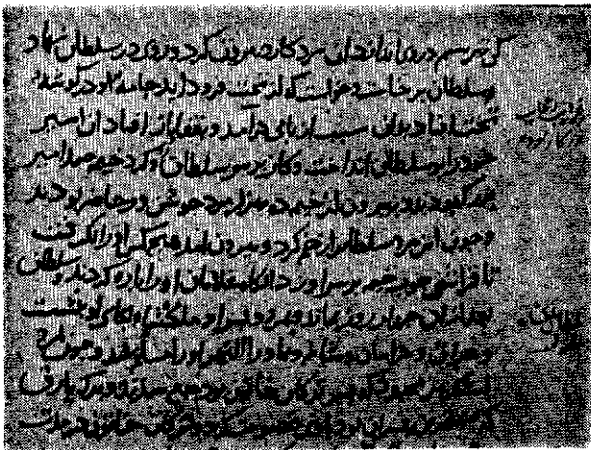


سفیان بن بنی امیه، و ابوالقیس بن عبد مناف و عمر بن الخطاب،
 و معاویه بن ابی سفیان خط را آموختند، زید ابن ثابت الانصاری
 از افراد معدودی است که در حجاز بخط آشنا بوده و از کاتبان
 وحی است.^۸

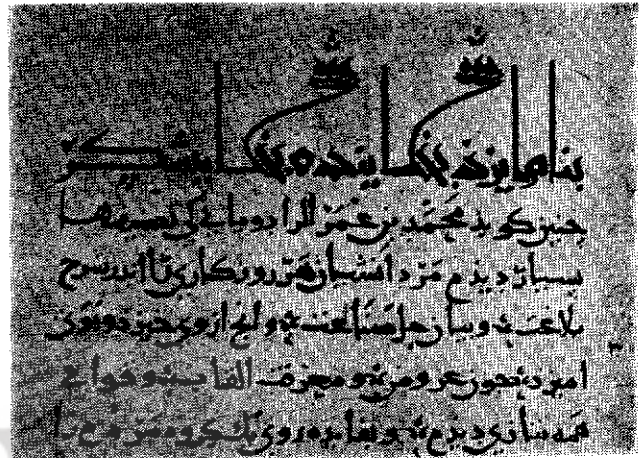
خط عربی در آغاز بسیار نازیبا و ناقص بوده، مراحل
 کمال و زیبایی را بشرحی که خواهیم گفت بدوق و هنر ایرانیها
 پیموده است.

باین نکته باید توجه داشت، هنگامیکه سخن از اقلام
 و انواع و اقسام خطوط عربی می‌رود نباید موجب این توهم
 گردد که در خطوط عربی هم مانند خطوط ایرانی قبل از اسلام
 تنوع معلول اختلاف شکل و حروف بوده است بلکه، در خطوط
 عربی منظور از اقلام مختلف را باید در تنفس کاتبان در قند
 و ملایم و ریز و درشت نوشتن پاره‌ای از حروف و کشش و حرکات
 الف و کشیده یا مدور نوشتن آنها دانست نه تغییر شکل و کم و بیش
 بودن حروف، بنابراین کلیه اقلام عربی را که در حدود سی قلم
 ذکر میکنند همه از یک ریشه و یک صورت استخراج شده است.
 بر مکیان ایرانی به زیبا کردن خط عربی بسیار کماک کردند
 و خوشنویسان را معزز و مکرم میداشتند، این درستویه فارسی که
 در باره نویسندگان خط کتابی بنام الکتاب دارد توجه ایرانیان
 را به تکمیل خط عربی نشان میدهد.

محمد بن علی فارسی، معروف به ابن مقله ایرانی که
 وزیر المقتدر بالله خلیفه عباسی بود و در سال ۳۲۸ هـ. بدستور
 او شهید شد از جمله خوش‌نویسانی است که در زیبا ساختن خط



۶- سرالمکتوم - تألیف فخر رازی . مورخ ۶۱۰



پیران هم میتوانند آنرا فراگیرند و معنی سهل و آسان معنی استعاری و مجازی آنست .

نام فیرآموز یا پیرآموز اصالت این نظرا تأیید میکند که خط پیرآموز گذشته از اینکه واضعان و مخترعان آن ایرانی بوده‌اند در اصل هم از یک خط ایرانی استخراج شده بوده است . این خطرا بظن قریب به یقین ایرانیها از خطوط هفتگانه خود استخراج کرده بودند و در ترکیب بخشودن به حروف آن کوشیده‌اند که شباهتی به خطوط مکی و کوفی داشته باشد تا موجب عناد و لجاج حکام عرب نگردد و تعصب آنان را علیه این خط بر نیانگیزد .

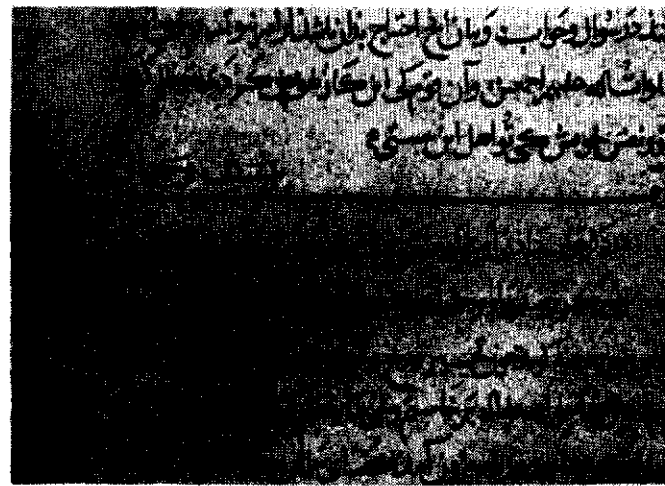
آنچه محققان خط‌شناس معترفند ترکیب و گردش حروف خط تعلیق کاملاً مأخوذ از خطوط پهلوی و اوستائی است « ایرانیها در خط تعلیق خود از شکل خط پهلوی اوستائی الهام گرفته‌اند و در وضع آن تحت تأثیر اشکال آنها بوده‌اند . بخصوص در خط شکسته و شکسته تعلیق این مشابهت و نزدیکی کاملاً روشن و محسوس است^۵ .

۵- در گذشته سال ۴۵ هـ .

۶- در گذشته سال ۳۳۶ هـ .

۷- در نقل از الفهرست در بعضی از مآخذ دیده شده که متأسفانه فیرآموز را قیرآموز نوشته و نقل کرده و خود در معنی آن حیران مانده‌اند ۱۱

۸- از نظرات دانشمند ارجمند آقای دکتر مهدی بیانی .



۸

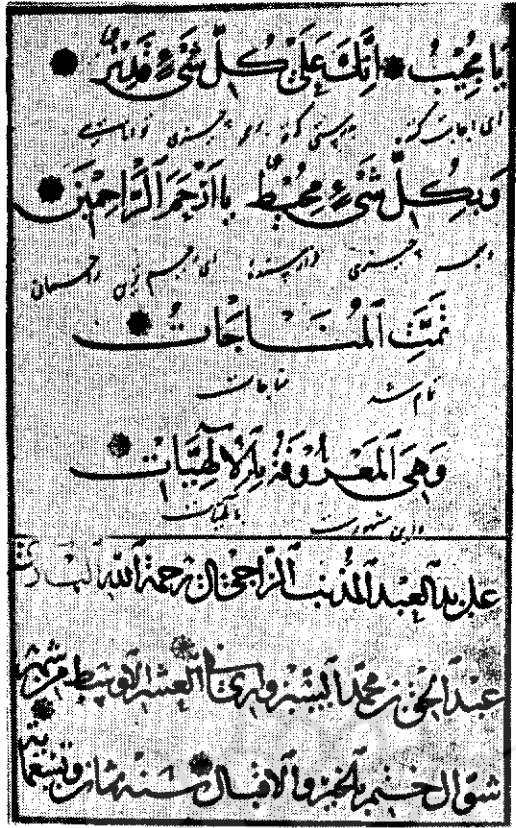
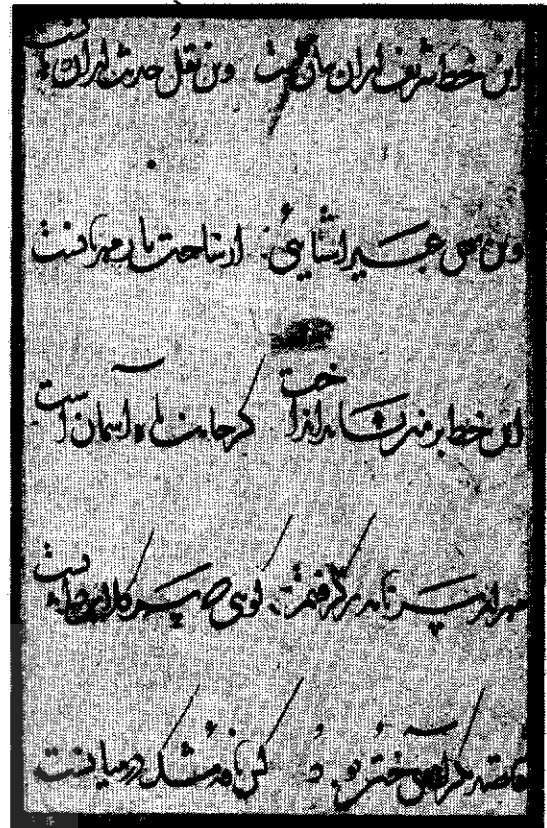
۷

۷ - نهضت الکرام و بستان العوام تألیف محمد بن الحسین بن حسن الرازی
 اواخر قرن ششم درباره معجزات و فضائل معصومان و امامان
 اثنی عشری
 ۹ - از ذخیره خوارزمشاهی .



۹

بنظر نویسنده خط پیرآموز پایه و اساس خط تعلیق است
 و کهن ترین (در حال حاضر) نمونه‌ای که از آن در دست است
 قباله زمینی است که مارگولیوٹ خاورشناس آنرا متعلق به سده
 چهارصد هجری میداند لیکن گروهی دیگر معتقدند که قدمت
 آن بمراتب بیشتر است .
 از خطوط تعلیق متعلق به اول قرن ششم و هفتم نمونه‌های
 متعددی در دست است و با توجه بآنها میتوان سیر تکامل
 و تطور خط تعلیق را دریافت . در پایان این مقال چند نمونه
 از خط کهن فارسی را بنظر خوانندگان ارجمند میرسانیم .
 آشنائی ابن مقله ایرانی با خط پیرآموز اساس و پایه
 وضع خط نسخ - ریحان - ثلث - رقاغ وسیله او گردید و
 اینکه امروز شباهت تام و کاملی در میان خط نسخ و تعلیق
 می‌بینیم بدین مناسبت است که ابن مقله خط عربی نسخ و ثلث
 و ریحان را تابع شکل و حرکات و دوایر خط پیرآموز قرارداد.
 ایرانیها از همان قرن اول هجری برای تثبیت و رواج
 خط پیرآموز بنوشتن قرآنها با آن خط پرداختند تا عربها
 نتوانند آن خط را هم چون از عرب نبود خط زندقه بخوانند
 و بنامند .



۱۰- ترکیبی است از قاع و تعلیق

خواجه اختیارالدین منشی - نجم‌الدین مسعود ساوه‌ای
مراحل زیبایی و کمال را طی کرد.

میرعلی تبریزی در اوائل قرن هشتم با تالیف نسخ و تعلیق پایه و اساس خط نستعلیق را گذاشت و سپس اظهر تبریزی و جعفر تبریزی (معروف به بایسنغری) و سلطانعلی مشهدی - محمد نور - سلطانمحمد خندان - میرعلی هروی - میرعلی تبریزی (ثانی) - میرعماد قزوینی - علیرضای عباسی آنرا در زیبایی بجائی رسانیدند که موجب اعجاب و شگفتی بینندگان شد.

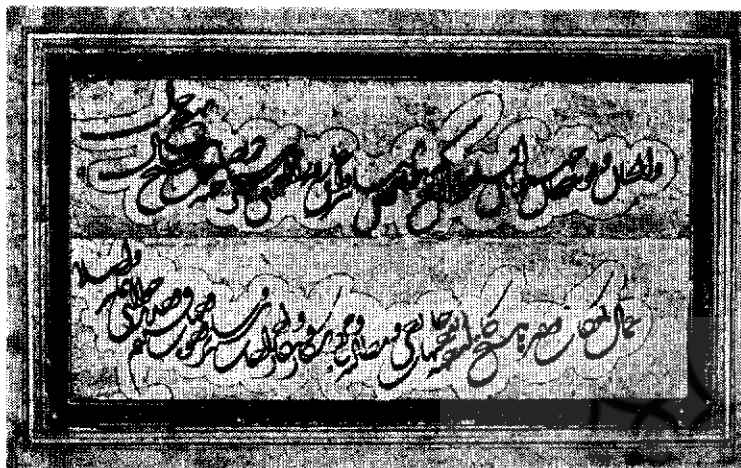
پس از میرعماد و علیرضای عباسی خوشنویسان خط نستعلیق بر پایه‌ای که استادان خط نهاده بودند بسیارند و اگر بخواهیم بذكر نامشان پردازیم از حوصله این مقال بیرون است.

برای آنکه چگونگی تحول و تطور و تکامل خط پیرآموز را بخط فارسی امروز دریابیم بجاست به نمونه‌هایی از خطوط نویسندگان ایرانی که تاریخ تحریر آنها از قرن چهارم هجری به بعد است و در اینجا ارائه میشوند توجه کنیم. لازم بیادآوری است که بحث ما درباره خط فارسی است و آنچه مورد نظر

خط اصفهانی شیوه دیگر از خط پیرآموز بوده است و چون اصفهان در اوان حکومت عرب در ایران مرکزیت داشت بنام خط اصفهانی نامیده و خوانده شد.

در خطوط تعلیق قرون اول اسلامی کاملاً حرکات و گردشهای حروف شباهت بمخط پهلوی داشته است و این شباهت را در خطوط کتابهای قابوس‌نامه و ذخیره خوارزمشاهی کاملاً می‌بینیم. هم‌چنین خط نسخ عربی در قرون اول اسلامی کاملاً شباهت بمخط تعلیق دارد و برای نمونه چند اثر از این خطوط را در اینجا گراور می‌کنیم.

با نظر و دید تحقیقی بهیچوجه نمیتوان پذیرفت که خط فارسی دری پیرآموز مأخوذ از خط کوفی بوده است و این يك اشتباه رایج در اثر عدم اطلاع و یا تعصب متعصبان بوده است و بس. چنانکه خواهیم دید خط پیرآموز فارسی بعدها وسیله هنرمندان ایرانی راه تکامل و جمال را تا سرحد اعجاز پیمود و در زمره یکی از برجسته‌ترین هنرهای زیبای ایران درآمد. در قرون هفتم و هشتم و نهم این خط وسیله خوشنویسان ناموری از جمله: تاج‌الدین اصفهانی - عبدالحق استرآبادی - بیانی کرمانی - شاه محمود نیشابوری - خواجه عبدالله مروارید -



بخشایشگر» که در هر دو بیک شیوه و روش و قلم است خط متن ترجمان‌البلاغه چگونگی پیدایش خط تعلیق نخستین را نشان میدهد.

خط تعلیق زینتی که بعدها وسیله خواجه تاج‌الدین بصورت خط هنری درآمد و از آن شکسته استخراج گردید مأخوذ از خط تعلیقی است که در قرنهای پنجم و ششم رایج بوده است.

عکس شماره ۴ صفحه‌ایست از کتاب جامع‌العلوم (جوامع‌العلوم؟) تألیف امام فخرالدین محمدبن عمر الرازی متوفی ۶۰۶ هجری که آنرا بنام سلطان علاءالدین تکش تألیف کرد. و تاریخ تحریر کتاب ۶۱۱ ه. است. این نمونه نشان میدهد که با گذشت ۱۰۴ سال از زمان تحریر ترجمان‌البلاغه در شیوه و قلم خط فارسی چه تحولی بوجود آمده. عکس شماره ۵ که صحنه‌ایست از دیوان انوری که بسال ۶۸۰ تحریر یافته و بانمونه شماره ۴ (۹۷) سال فاصله زمانی دارد نشان دهنده تکامل و گرایش خط بطرف شیوه تعلیق کامل است.

خط تعلیق ایرانی شباهت کامل به خط نسخ دارد و چنانکه قبلاً یادآور شدیم خط نسخ نیز ساخته و پرداخته ابن مقله ایرانی بوده است و مستخرج از خط پیرآموز و تلفیق شده با خط کوفی است.



است خطی است که ایرانیان بدان می‌نوشته‌اند نه مطالب آن. کهن‌ترین خطی که از خطاطان ایرانی در دسترس نویسنده قرار گرفته نسخه‌ایست از کتاب صفات‌الشیعه تصنیف دانشمند عالی‌مقام شیخ صدوق (ابن بابویه) که آنرا بسال ۳۶۰ ه. تألیف کرده^{۱۰} و نصر بن عبدالله القزوینی آنرا بسال ۳۹۱ نوشته است (عکس شماره ۱) این خط با شیوه تزئینی نگاشته شده و نموداری از خط پیرآموز است و از مشخصات آن اینکه حروف را مجزی نوشته و سپس بایک خط نازک آنها را بیکدیگر متصل ساخته‌اند. عکس دوم صفحه اول کتاب‌الانبیاء عن حقایق‌الادویه تألیف ابومنصور هروی بخط اسدی طوسی شاعر است که بسال ۴۴۷ ه. کتابت کرده است^{۱۱} در مقایسه نمونه یک با نمونه دو و توجه بشیوه خط آن و چگونگی تحول و تکامل خطی را که نصر بن عبدالله قزوینی در سال ۳۹۱ نوشته است طی مدت ۵۶ سال درمی‌یابیم عنوان عکس شماره ۲ خط تغییر یافته پیرآموز است و متن خط تعلیق ابتدائی است که همان تکامل یافته پیرآموز باشد. عکس شماره ۳ از کتاب ترجمان‌البلاغه تألیف محمدبن عمر رادویانی است که بسال ۵۰۷ ه. بقلم ابوالهیجا دیلمسپار شاعر نوشته شده است و فاصله تحریر آن با کتاب‌الانبیاء ۶۰ سال میشود و تحول خط را طی مدت شصت سال نموداری مبین است. بخصوص سرآغاز کتاب جمله «بنام ایزد بخشاینده



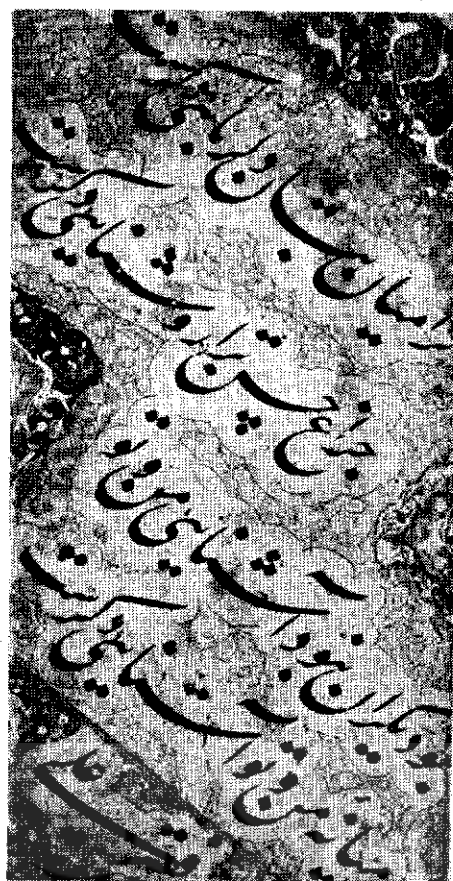
۱۴

عکس شماره ۶ صفحه‌ایست از کتاب سرالمکتوم تألیف فخررازی که در ۶۱۰ هـ . تحریر یافته و نمونه‌ایست از شیوه تعلیق در اوائل قرن هفتم . همچنین عکسهای شماره (۷-۸-۹) ^{۱۱}

برای اینکه اختلاف خط نسخ را با تعلیق ایرانی دریابیم . عکس شماره ۱۱ را باید مورد توجه قرارداد . پیش از اینکه تعلیق کامل یا تعلیق تزئینی بوجود آید خطی رایج گردید که از تلفیق رقاع و تعلیق ساخته و وضع شده بود مانند عکس شماره (۱۰) لیکن این شیوه دیری نپائید .

در عکس شماره ۱۱ که بقلم عبدالحق بن سبزواری است سه گونه خط تحریر یافته است . در قسمت بالای قطعه خط نسخ است و نستعلیق و سه سطر پائین قطعه خط توقیع است (خط توقیع سه دانگ رو و سه دانگ سطح است) . عکس شماره ۱۲ نمونه‌ایست از خطوط رقاع و ثلث و نسخ بخط خطاط معروف مقصود تبریزی عکس شماره ۱۳ خط تعلیق بخط خواجه تاج‌الدین واضع خط تعلیق تزئینی است و عکس شماره ۱۴ خط شکسته است بخط عبدالمجید درویش عکس شماره ۱۵ خط نستعلیق اثر قلم میرعلی هروی و عکس شماره ۱۶ نستعلیق بخط علیرضای عباسی است .

تحقیق درباره چگونگی خط فارسی در این تاریخچه



۱۵

از آن رهگذر است که بدانیم کتابهای فارسی را پس از حمله عرب باچه خطی می‌نوشته‌اند و چگونه باردیگر دانشمندان ایرانی به ثبت و ضبط افکار و آثار خود توفیق یافته‌اند و در نتیجه کتابها و کتابخانه‌ها بوجود آمدند .

تاریخ خط و کاغذ و تجلید - صحافی - تذهیب - تشعیر نقاشی با تاریخ و سرگذشت کتاب در ایران همراه و توأم است و بناچار باید از سیر تحول و تطور و تکامل این هنرها نیز در این تاریخچه سخنی بطور اختصار و ایجاز گفت و در فصل آینده درباره این هنرها نیز مختصر اشاره‌ای خواهیم کرد .

۹- عکس‌های شماره ۱ و ۶ و ۱۵ از مجموعه نفیس و گرانقدر آقای فخرالدین نصیری عکسبرداری شده‌است و عکسهای شماره ۴ و ۵ از کتابهای متعلق بکتابخانه نویسنده است .

۱۰- استاد مجتبی مینوی در ترکیه تفسیری مشاهده کرده‌اند که تاریخ تحریر آن بر نسخه کتاب الانبیه قدمت دارد همچنین نسخه هدایة‌المتعلمین تألیف ربیع اخوینی که سال تحریر آن ۴۷۸ بوده است متأسفانه نمونه‌هایی از این دو کتاب را در دست نداریم .

۱۱- شماره ۷ از کتاب تزهت‌الکرام و دبستان‌العوام تألیف محمد بن‌الحسین بن حسن‌الرازی و شماره ۸ از کتاب زیج ایلخانی که بخط محمد بن احمد خنجدی در سال ۶۷۶ تحریر یافته و شماره ۹ از ذخیره خوارزمشاهی است که برای کتابخانه محمد بن پهلوان ابن ابی طاهر نوشته شده و کتابها متعلق به کتابخانه نفیس آقای فخرالدین نصیری است .

۱۶

